سیری در قانون ابن‌سینا

مجله نظام پزشکی
سال هشتم ، شماره ۱ ، صفحه ۷۴ ، ۱۳۶۰

دکتر ابراهیم مصلحی شاد *

جندیشاپور یکی از مهمترین مراکز علوم وطب درجهان بشمار میرفت. دراین‌دانشگاه طب یونانی ـ ایرانی وهندی‌تدریس‌میشد که در آن طب یونانی توفق داشت. این دانشگاه دربارورکردن درخت طب اسلامی‌سهم بسزائی دارد ، چه دراین مرکزعلمی‌بود کـه فعالیت شدیـدی در ترجمه آثار علمی و طبی بوجود آمد . مهمترین وموثرترین مترجمان آثار طبی، حُنین‌ابن‌اسحق عبادی (متولد ۱۹۲ ه . ق) است. حُنین قسمتی ازآثار بقراط (منجمله فصول بقراط)، کلیه آثارجالینوس وبرخی از شروح وی‌برآثار بقراط را ترجمه‌کرده است.

دوره شکوفائی‌طب اسلامی با تدوین‌آثار ارزنده‌ای‌آغازمیگردد. علی‌ابن ربن طبری‌کتاب « فردوس‌الحکمه » را تألیف کرده‌که نه تنها شامل طب بلکه دیگر رشته‌هـای علوم چون فلسفه، نجوم و غیره است . بعد از طبری برجسته‌ترین چهره ابـوبکر محمد زکریای رازی (۳۱۳-۲۵۱ ه . ق) است که به « بزرگترین و اصیل‌ترین پزشك اسلامی » معـروف شده و کتاب «الحاوی» وی برخلاف قانون ابن‌سینا ، یك اثر تئوری ونظری نبوده، بلکه مجموعه‌ای‌ازتجربیات بالینی است. ازاینرو رازی‌را بزرگترین طبیب تجربی درقرون وسطی نامیده‌اند . مهمترین وبنیادی‌ترین اثر رازی، کتاب «الجدری والحصبه» نخستین رساله‌ایست که در تشخیص افتراقی سرخك وآبله نوشته شده‌است. بالاخره،علی‌ابن عباس(متوفی۴۸۳ه.ق) صاحب کتاب«کامل‌الصناعة‌الطّبیه» میباشد. این اثر طبی‌که جنبه عملی آن برقانون برتربوده است، تاظهور قانون ابن‌سینا ازکتب درسی بشمار میرفته است.

کتاب قانون درطب : یك دائرةالمعارف پزشکی است که‌درحدود یك میلیون کلمه داشته و مشهورترین اثر طبی ابن‌سینا (۴۲۸-۳۷۰ ه . ق) است . قانون بعنوان « یك انجیل طبی » مدت ۷ قرن در دانشگاههای مهم اروپا تدریس شده و بیش ازهراثرطبی دیگرموردتوجه‌بوده‌است. قانون درقرن۱۲میلادی بوسیله‌گرارد کرمونائی** در Toledo (طُلَیْطَلَه) به لاتین ترجمـه شده است وپس‌ازتجدید نظربوسیله آندره‌آلپاگو*** درسال۱۵۲۷میلادی Canon medicinae در ونیز چاپ شده است.

قانون فقط درقرن۱۶ میلادی در دوران پاراسلس درطول دوسال ۱۳ بارتجدید چاپ شده است . قانون علاوه برزبان عبری‌ولاتین به زبان اردو (۱۹۳۰) و روسی (۱۹۵۴) و قسمتهائی از آن بزبانهای دیگر منجمله کتاب اول آن توسط دکتر مظهرشاه از اردو به‌انگلیسی(۱۹۶۶) ترجمه شده است.

ابن‌سینا در فلسفه و طب تابع مکتب یونان یعنی ارسطو و بقراط بوده است . وی در داروشناسی از دیسقوریدیس و در تشریح از جالینوس پیروی‌کرده است. ابن‌سینا تنها بـه جمع‌آوری و منظم کردن علـوم طبیعی تا زمـان خود نپرداخته، بلکه نظریـات و ملاحظات خودرا بآن افزوده است.

قانون چنانکه از نام آن مستفاد میشود برپایه استدلال ، منطق و اصول استوار است . این اثر شامل ۵ کتاب میباشد :

کتاب اول ـ درباره کلیات علم طب

کتاب دوم ـ درباره داروهای مفرد (Materia medica)

کتاب سوم ـ شرح بیماریهای داخلی و خارجی اعضاء بدن ، از سر تا پا

---

* مرکز پزشکی هواپیمائی ملی ایران ، هما ـ تهران.

** Gerardus Cremonensis

*** Andreas Alpagus

کتاب چهارم ـ شرح بیماریهای عمومی که دررابطه با اعضاء خاصی نیستند.

کتاب پنجم ـ درباره ترکیب داروها (قرابادین)

تعریف طب در قانون : طب دانشی است که بوسیله آن میتوان بر کیفیات تن آدمی آگاهی یافت . هدف آن فقط تندرستی در موقع سلامت و اعاده آن به هنگام بیماری است.

بنابراین ابن‌سینا به پیشگیری (Prophylaxy) توجه‌خاص‌مبذول داشته است . وی طب را بدو بخش تقسیم کرده است.

طب نظری وطب عملی .

در وظائف‌الاعضاء : ابن‌سینا چون اسلاف خود معتقد به عناصر اربعه چون آب ، هوا ، خاك وآتش است و تذکرمیدهد که باید از این کلمات معنای دیگری غیر ازآنچه درمکالمه معمولی‌مستفاد میشود ، استنباط کرد. وی چون جالینوس ، خون ، بلغم، صفرا و سودا را چهار خلط بدن میداند که در نتیجه هضم مواد غذائی بوجود میآیند . غذا بوسیله رگهای روده جذب شده ، وارد کبد میشود ،کبد این مواد را پخته و دگرگون کرده و به اخلاط چهارگانه فوق تبدیل میکند . از امتزاج این‌چهارخلط، مزاج‌یا طبیعت بوجود میآید . این مواد با گردش خون به اعضاء بدن میروند ودراثر تغذیه بافتهای بدن‌سبب رشد ونمومیشوند. ازدیاد یکی از این مواد سبب بیماری میشود و دراینحال مزاج متمایل بدان میگردد.

از اینرو مزاج گرم ، مزاج سرد ، مزاج خشك و مزاج‌تر در اشخاص بوجود میآید . اگر تعادل در هماهنگی این چهار خلط بهم بخورد پدیده‌های مختلفی ظاهرمیشوند :

۱ـ علامت مزاج‌صفراوی‌ـ زرد شدن پوست ، زبان، چشم، دهان، تهوع وسوزش معده .

۲ـ علامت مزاج خونی : سنگینی‌سر، کمی‌حواس، شیرینی دهان، سرخی رنگ بدن و ایجاد جوش در بدن .

۳ـ علامت مزاج بلغمی : سفیدی ونرمی پوست، جاری‌شدن بزاق فراوان ، اختلاط هاضمه ، احتیاج زیاد بخواب .

۴ـ علامت مزاج سوداوی : لاغری زیاد ، سوزش معده ، یاس و بدبینی، اندیشه‌های بد ، سیاهی وغلظت خون .

برطبق نظریه ابن‌سینا دراثر هضم ، مواد مضره ایجاد میشوند که باید دفع شوند . دفع آنها از راه روده ،کلیه‌ها ، هوای تنفسی و منافذ پوست امکان پذیر است . دراثر ازدیاد این‌مواد بیماریهای مختلفی ظاهر میشوند . ابن‌سینا چون اسلاف خود ، بیماری‌رادر اثر اختلال در توازن اخلاط چهارگانه میداند ـ Humeral) (Pathology . ترتیب یا تغییرات‌مادی ترکیب اعضاء یاانحراف طبیعت از حالت عادی بوجود میآید . ترکیب آن بستگی به علل مختلف‌دارد مانند هوا ، تغذیه ، آشامیدنیها ، آب وهوا ، مبارزه در مقابل بیماریها یعنی قطع علل خارجی‌را ابن‌سیناکافی نمیداند بلکه سعی میکند نارسائی اعضاء ونارسائی اخلاط بدن را رفع کند .

در مورد درمان ، دستور پرهیز غذائی ، هیدروتراپی (Hydrotherapy) نقش مهمی دارند : گرما ، سرما، حمام‌داغ ، استحمام ، دارو و روان درمانی قسمتی از معالجات را تشکیل میدهد که او توجه کرده است .

در تشریح ـ ابن‌سینا کاملا تحت قیادت جالینوس نبوده ، بلکه نظریات مستقلی ارائه داده است . وی در مورد مغز انسان مابین پوسته ولایه مغز تفاوت قائل بوده است . وی اولین کسی‌است که نه تنها انتهای دقیق ماهیچه‌های چشم را توصیف کرده ، بلکه عمل آنهارا از نظر فیزیولوژی شرح‌داده است . راجع به‌مردمك چشم میگوید « مردمك سالم در تاریکی باز میشود و درروشنائی تنگ میگردد » ابن‌سینا شبکیه چشم را اتساع انتهائی عصب‌چشم دانسته است .

در کتاب قانون، بیماریهای بسیاری چون بیماریهای عفونی ، ناراحتیهای‌متابولیسم یا اختلال‌های گردش‌خون‌بطوردقیق توصیف شده است . وی نوع فلج مرکزی صورت را از نوع محیطی آن تمیزداده است . ابن‌سینا علت سکته را انسداد در مغزمیدانست که بعلت تغییرات خون یا انقباض رگهای خون تحت تأثیر مواد بیماریزائی‌است که منجر به کمخونی(Anemia)میشود وبالاخره وی علل مختلف زخمهای معده را شرح داده و آنها را از اورام معده تشخیص افتراقی داده است.

ابن‌سینا پدیده‌هائی‌را که دراثر ابتلا به‌پیوك یا فیلاریامدنین سیس (Filaria medinensis) عارض میشود ، بسیار روشن توصیف کرده است . وی لوله‌گذاری حلق (Intubation) را درمورد تنگی حلق توصیه کرده است . درحالیکه درمورد تراکوتومی (Tracheotomy) فقط آنرا درحالات سخت وناچاری مجاز دانسته است .

برطبق‌نظریه‌ابن‌سیناد‌رمورد‌تشخیص‌دادن دررفتگی(Luxation) استخوان، عضوخسارت دیده را باید باعضوسالم مقایسه کرد. وی طریقه جا انداختن (Reposition) استخوان دنبالچه‌را ازراه روده مستقیم توصیه کرده است . وی در مورد درمان دررفتگی مفصل شانه میگوید « اگر بیمار بچه یا فرد ضعیفی باشد باید استخوان بازو را بوسیله فشار مستقیم جا انداخت». در اشخاص قوی همان روشی بکار میرود که بوسیله بقراط شرح داده شده است .

بعضی از نظریات ابن‌سینا دررابطه با بهداشت هنوزبقوت‌واعتبار خود باقیست:

تجربـه نشان داده که ممکـن است آب با مواد مضر مخلوط شود و بسلامتی زیان واردکند. از این‌رو وی‌آب باران‌راجهت آشامیدن توصیه میکند. برطبق عقیده وی‌منزل‌باید ازسمت شرقی ساخته شود تا باد شرقی گرم و پـاکیزه داخل شود و خورشید صبحگاهی درداخل آن بتابد.

در روان‌شناسی : ابن‌سینا هرگونه رفتار غیرانسانی وخشن‌را با بیماران روانی انتقاد میکند وتوصیه کرده است که اززنجیر بستن یا اذیت و آزار آنها خودداری شود و با آنها باید بـا ملایمت رفتار کرد وبجای زنجیر بستن،آنهارا روی تخت، ملایم‌خواباند. او تحریکات روانی را در اثر عـدم تعادل نسبت اخلاط در مغز دانسته است ،

در مامائی و بیماریهای اطفال : وقتی بچه بدنیا آمد ، بـاید ناف اورا بفاصله ۴ انگشت برید و بخش بریده را با یك پارچه تمیز بست . تن بچه باید با آب و نمك اندوده شود تا پوست سخت و نیرومندگردد . بهر ترتیبی ممکن است باید بچه پستان مادر را بگیرد ، چون شیر مادر ازهرغذای دیگر بهتراست،زیرابه‌غذائی که بچه در شکم مادرتغذیه میکند ، شباهت دارد . اگردایه مبتلا به‌بیماری‌چون اسهال یا ببوست شد ویا داروی‌خواب‌آوراستعمال کرد، بهتر است دایه دیگری بچه را شیر دهد . درمورد شرایط دایه درقانون چنین آمده است. « بهترین دایه بین سن۲۵-۳۵ سال‌است، اوباید سالم ، قوی ونه خیلی چاق ونه بسیار لاغرباشد او باید خوش‌رفتار ونه خشمگین ، اندوهناك یا ترسوباشد، زیرا روی بچه‌ایکه شیر میدهد ، اثر میگذارد ».

در داروشناسی : درقانـون تقریباً از ۷۶۰ قلم دارو نام‌برده شده وآنهارا ازنظر فارماکولوژی توصیف کرده است. ازداروهائیکه دردرمان بیماریهای صفراوی بکاررفته استمیتوان‌کاسنی،زرشك، تمبرهندی ، شاه‌تره و رناس را نام برد. ابن‌سینا در دارو شناسی تحت تأثیر دیسقوریدیس بوده است . وی در قانون از داروهائی نام میبرد که نزد یونانیها ناشناخته بوده است.

اساس‌فلسفه ابن‌سینارا درمورد بدن انسان ، تعادل‌مزاجها، عناصر و طبیعت تشکیل میدهند . طبیعت براساس تعادل هریك از اجزاء آنست . هرنوع غذا یا داروئی که مصرف شود میتواندبه‌تقویت‌یا تخریب این تعادل کمك نماید . هرچه ما میخوریم روی سلامتی ما بیشترازآنچه که ما فکر میکنیم اثر میگذارد . واین‌دلیلی‌است که چرا اسلام اولین مکتب طبی است که قسمت اعظم‌تعلیم خودرا به پرهیز غذائی اختصاص داده است . ابن‌سینا عقیده داشت که‌بین جسم وروح رابطه وجود دارد واینکه هر کدام ازآنها بردیگری تاثیر میگذارد . وی شاید اولین کسی‌است که راجع به روان‌تنی (Psychosomatic) نوشته است . ابن سینا در مورد بیماریهای روانی به تلقین‌عقیده داشته (Suggestion) وازاین‌طریق‌برخی از بیماران را درمان کرده است (Psychotherapy). از جمله دراین‌مورد میگوید:«نبیغی‌للطبیب ان یکون دائماً مبشراً بالصحه فان للعوارض‌النفسانیه تاثیرات عظیمه» برپزشك است که بیماران را به بهبود بشارت دهد زیـرا این عمل در بهتر نمودن عوارض روانی اثر شایانی دارد .

REFERENCES :

۱ـ الشیخ‌الرئیس ابوعلی‌الحسین‌ابن علی ابن‌سینا : القانون فی‌الطب : بیروت : دارصادر

2- Shah, Mazhar, H.: The general Principles of Avicenna's, Canon of medicine. Karachi. 1966.

3- Said, Hakim, M.: The Canon of Medicine. Paris. 1980.

4_ Tayefeh - Mahmoudi, B.: Der persische Arzt und philosoph Avicenna (Ibn Sina). Düsseldorf. 1964.